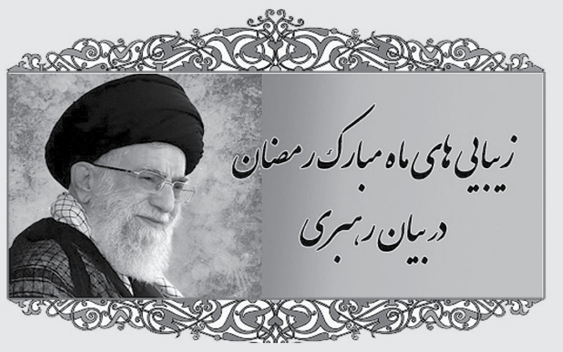

صفات و خصوصیات ماه رمضان در ادعیه مأثوره

در دعاهایی که چه در صحیفه مبارکه سجّادیه، چه در بقیه دعاهای مأثورِ برای ماه رمضان وارد شده است، صفاتی برای این ماه ذکر شده که هر کدام از این صفات و خصوصیات، قابل تأمّل و تدبّر است:

«شهرالتّوبهٔ و الانابهٔ»،

«شهرالاسلام»، که در دعای صحیفه مبارکه سجّادیه است. مراد از اسلام هم همان چیزی است که در آیه شریفه آمده است: و من یسلم وجهه الی الله و هو محسن فقد استمسک بالعروهٔ الوثقی(لقمان، آیه ۲۲) اسلام الوجه لله، یعنی دل و جان را تسلیم کردن؛ در مقابل اراده الهی و حکم الهی و شریعت الهی، رام قرار دادن.

«شهر الطّهور». طهور یا به معنای پاک کننده است- یعنی ماهی که در آن، عنصر پاک کننده‌ای وجود دارد که به انسان طهارت و پاکیزگی می‌دهد - یا به صورت مصدر ذکر می شود؛ یعنی ماه پاک شدن از آلودگی‌ها و از آلایش‌ها.

«شهر التّمحیص». تمحیص یعنی خالص شدن. فلز قیمتی آمیخته با فلزهای نا هم‌ذات را وقتی که در کوره می‌گذارند - مثلاً طلا را - این را تمحیص می گویند. یعنی جدا کردن ذات پاکیزه انسانی از ناخالصی‌ها و ناپاکی‌ها. این‌ها خصوصیاتی است که درباره این ماه ذکر شده است.

ماه رمضان فرصتی است که با این ریاضت طولانی یک‌ماهه، نفس از تخته‌بند عوامل مادی که ما را احاطه کرده است، خلاصی پیدا کند، نجاتی پیدا کند؛ یک نفسی بکشد نورانیّتی پیدا کند. شارع مقدّس، ماه رمضان را برای این قرار داده است.

ماه رمضان؛ فرصت تنفس روح

به نظر انسان این‌جور می‌آید که ماه رمضان در بین ایّام سال و ماه‌های سال، حکم اوقات نماز را دارد در شبانه‌روز. یعنی همان‌طوری که در شریعت مقدّس اسلامی برای ما که محصور و محدود به عوامل ماده هستیم، یک فرصت‌هایی گذاشته شده است که آن فرصت‌های نماز است - وقت صبح، وقت ظهر، وقت عصر، وقت مغرب، وقت عشا، یک زنگ بیدارباش است، یک خلوت دادن به خود برای ایجاد نورانیّت در دل و نفس است؛ ساعات نماز را در شبانه‌روز برای ما قرار دادند، برای اینکه غرق نشویم؛ از اسارت ماده یک لحظه‌ای بیرون بیاییم، نفسی تازه کنیم، به یاد معنویّت بیفتیم، یکسره غرق در مادیات نباشیم - به نظر میرسد که در دوره سال هم ماه رمضان یک چنین وضعیتی را دارد؛ نَفَس‌کشِ روح انسانی و روح ملکوتی انسان است؛ فرصتی است که با این ریاضت طولانیِ یک‌ماهه، نفس از تخته‌بند عوامل مادی که ما را احاطه کرده است، خلاصی پیدا کند، نجاتی پیدا کند؛ یک نفسی بکشد، نورانیّتی پیدا کند. شارع مقدّس، ماه رمضان را برای این قرار داده است. این فرصتی است.

*** بیانات در دیدار کارگزاران نظام - ۱۳۸۹/۵/۲۷**

استفتاء
از رهبر معظم انقلاب اسلامی

عمل به نذر فراموش‌شده

س) اگر شخصی که نذر کرده روز معینی را روزه بگیرد، نذر خود را فراموش کند ولی آن روز را به غیر نیت نذر، روزه بگیرد، آیا وفای به نذر صورت گرفته است؟

ج) عمل به نذر تحقق یافته است.

گرفتن روزه مستحبی به جای روزه واجب

س) آیا روزه مستحبی برای کسی که روزه واجب غیر از قضای ماه رمضان بر عهده‌اش است مشروعیت دارد یا خیر؟

ج)روزه مستحبی برای کسی که روزه واجب غیر از قضاء ماه رمضان بر عهده دارد بنابر احتیاط واجب صحیح نیست.

روزه نگرفتن به‌خاطر درد قابل توجه

س) اگر مکلف بداند در اثر روزه گرفتن، سرش یا چشمش درد می‌گیرد و تا افطار نکند خوب نمی‌شود، وظیفه‌اش چیست؟

ج) در صورتی که روزه باعث درد قابل توجه شود، تکلیف ندارد. البته اگر بعد از ماه رمضان عذر او برطرف شود، قضای روزه بر عهده اوست.

زمان امساک برای روزه

س)در آستانه ماه مبارک رمضان و با توجه به توسعه شهرها و عدم امکان تشخیص دقیق لحظه طلوع فجر، خواهشمند است نظر شریف خود را در مورد زمان امساک برای روزه اعلام فرمایید.

ج)مقتضی است که مؤمنین محترم -ایّدهم‌الله تعالی - جهت رعایت احتیاط در مورد امساک روزه، همزمان با شروع اذان صبح از رسانه‌ها برای روزه امساک نمایند.

مستحقان کفاره روزه

س) آیا کفاره روزه را می توان به بیمار مستحق داد؟

ج)کفاره به فقیر شرعی تعلق می‌گیرد؛ فقیر کسی است که مخارج سال خود و خانواده‌اش را ندارد و نمی‌تواند به دست آورد، چه بیمار باشد یا نباشد و تشخیص آن بر عهده خود مکلف است. ضمناً شرط است که فقیر، مسلمان و بنابر احتیاط واجب شیعه باشد هر چند پرداخت آن به اهل سنتی که مستضعف است اگر ناصبی نباشد، جایز است و نباید از کسانی باشد که نفقه او بر کفاره دهنده واجب است مانند فرزند و پدر و مادر.

قضای روزه‌های نگرفته

س) شخصی به گمان اینکه سن تکلیف و واجب شدن روزه ۱۵ سال قمری است، روزه نگرفته است؛ نسبت به روزه‌هایی که نگرفته چه تکلیفی دارد؟ آیا باید روزه‌ها را قضا کند؟

ج)باید قضای روزه‌ها را بگیرد و کفاره افطار عمدی واجب نیست؛ البته لازم است که کفاره تأخیر(۷۵۰ گرم گندم، برنج، آرد و مانند آن) بابت هر روز به فقیر پرداخت کند.

افطار روزه به دلیل ضعف

س) اگر تشنگی یا ضعف برای فرد روزه‌دار بقدری زیاد است که در اثر آن به سختی زیادی بیفتد که معمولا نمی‌شود آن را تحمّل کرد، خوردن روزه چه حکمی دارد؟ آیا فقط به مقدار ضرورت و از بین رفتن ضعف فوق‌العاده، به خوردن اکتفا کند یا می تواند بیشتر بخورد؟ آیا در بقیه روز امساک بر او واجب است؟

ج) اگر مکلف، بیماری خاصی که موجب عطش می‌شود ندارد و وضعیّت او به گونه‌ای است که به خاطر ضعف جسمانی یا طولانی بودن روز، روزه گرفتن به خودی خود حتّی با ترک فعّالیّت و مراعات تغذیه، سختی فوق‌العاده داشته باشد، در این صورت بنابر احتیاط روزه بگیرد و وقتی به سختی فوق‌العاده افتاد، افطار کند و قضای آن را بگیرد. امّا اگر حرجی بودن ادامه روزه به دلیل فعّالیّت مانند اشتغال به کار یا تحصیل و مطالعه باشد، در این صورت بنابر فتوا باید روزه بگیرد و هر گاه به سختی فوق‌العاده افتاد، افطار کند و قضای آن را بگیرد. ضمناً در فرض مذکور، خوردن به میزان ضرورت یا امساک مابقی روز واجب نیست.

ابطال روزه به دلیل جهل به مسئله

س) اگر پسری ۱۳ ساله که سه نشانه سن بلوغ را نمی‌داند ولی به اعتقاد اینکه بالغ شده و باید واجبات را انجام دهد از روی قصد روزه‌اش را باطل کند آیا باید ۶۰ روز روزه بگیرد؟ تکلیفش چیست؟

ج) اگر شرعا بالغ بوده و می‌دانسته که بالغ است، باید علاوه‌بر قضای آن روزه‌ها کفاره هم پرداخت کند و در این صورت پرداخت کفاره، واجب فوری نیست و هر زمان که توان آن را داشت اقدام کند.

اما اگر از بلوغ خود خبری نداشته است، قضای روزه کافی است و کفاره ندارد.

توجه داشته باشید نشانه‌های بلوغ یکی از سه چیز است:

۱. روییدن موی درشت زیر شکم بالای عورت(شرمگاه)؛
۲. احتلام (بیرون آمدن منی)؛
۳. تمام شدن ۱۵ سال قمری در پسر.(که تقریباً معادل ۱۴ سال و ۶ ماه و ۱۸روز شمسی می‌باشد.)

آداب مهمانی خدا از نگاه امام خمینی(ره)

من خوف این را دارم که در این ماه مبارک رمضان که ماه تهذیب نفس است و همه را خدا به ضیافت خودش دعوت کرده است، ما با صاحب خانه کاری بکنیم که عنایتش از ما برگردد. اگر بنا باشد که انسان به اسم روزه دهان را از مطعومات ببندد و به غیبت مردم باز کند و شب‌های ماه مبارک رمضان، که مجالس شب‌نشینی،گرم و دایر بوده وقت و فرصت بیشتری است، با غیبت، تهمت و اهانت به مسلمانان به سحر انجامد، چیزی عاید او نمی‌شود و اثری بر آن مترتب نمی‌گردد.

ماه مبارک رمضان در پیش است... و این یکی از نعمت‌های بزرگ خداست که به ما عنایت فرموده است. ماه رمضان شما را دعوت کرده خدای تبارک و تعالی به مهمانی خودش. همان‌طور که می‌بینید مهمانی خدا صوم است، مثل میهمانی ماها نیست که آن جور تشریفات را داشته باشد، پرهیزدادن است از آن چیزهایی که مربوط به شهوات انسان است.(۱) خداوند تعالی بندگان را به همه خیرات و مبرّات و بسیاری از لذات معنوی و روحانی دعوت فرموده است، ولی اگر آنان برای حضور در چنین مقامات عالیه‌ای آمادگی نداشته باشند، نمی‌توانند وارد آن شوند. با آلودگی‌های روحی، رذایل اخلاقی، معاصی قلبیه و قالبیه، چگونه می‌توان در محضر ربوبی حضور یافت و در مهمانسرای رب‌الارباب که «معدن العظمهٔ» می‌باشد وارد شد؟(۲)

خدا نکند انسان پیش از آنکه خود را بسازد جامعه به او روی آورد و در میان مردم نفوذ و شخصیتی پیدا کند که خود را می‌بازد. قبل از آنکه عنان اختیار از کف شما ربوده شود خود را بسازید و اصلاح کنید.

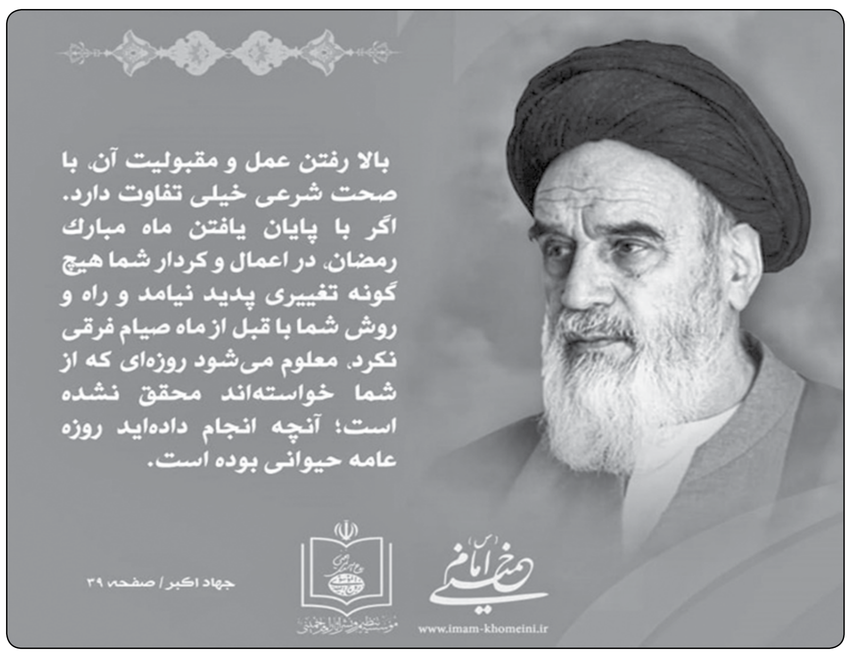

بالا رفتن عمل و مقبولیت آن، با صحت شرعی خیلی تفاوت دارد. اگر با پایان یافتن ماه مبارک رمضان، در اعمال و کردار شما هیچ گونه تغییری پدید نیامد و راه و روش شما با قبل از ماه صیام فرقی نکرد، معلوم می‌شود روزه‌ای که از شما خواسته‌اند محقق نشده است؛ آنچه انجام داده‌اید روزه عامه حیوانی بوده است.

جهاد اکبر / صفحه ۳۹

www.imam-khomeini.ir

کسی که هنوز حجاب‌های ظلمانی را پاره نکرده، کسی که تمام توجه او به عالمِ طبیعت است و، العیاذبالله، منحرف عن‌الله می‌باشد و اصولاً از ماوراء دنیا و عالم روحانیت بی‌خبر بوده و منکوس إلی الطبیعه (در بند طبیعت) است و هیچ‌گاه در مقام (این) برنیامده که خود را تهذیب کند، حرکت و نیروی روحانی و معنوی در خویشتن ایجاد نماید و پرده‌های سیاهی را که روی قلب او سایه افکنده کنار زند، در اسفل سافلین که آخرین حجب ظلمانی است قرار دارد: ثُمّ رَدَدْناهُ اسْفَلَ سافلین. در صورتی که خداوند عالم، بشر را در عالی‌ترین مرتبه و مقام آفریده است: لَقَدْ خَلَقْنَا الانسانَ فی احْسَنِ تَقویمٍ.(۳)

مرض‌های روانی اگر درد داشت باز جای شکر بود، بالأخره انسان را به معالجه و درمان وا می‌داشت؛ ولی چه‌توان کرد که این امراض خطرناک درد ندارد. مرض غرور و خودخواهی بی‌درد است. معاصی دیگر بدون ایجاد درد، قلب و روح را فاسد می‌سازد. این مرض‌ها نه‌تنها درد ندارد، بلکه ظاهر لذت‌بخشی نیز دارد، مجالس و محافلی که به غیبت می‌گذرد خیلی گرم و شیرین است! حب نفس و حب دنیا که ریشه همه گناهان است، لذت‌بخش می‌باشد.

امراض بی‌درد انسان

خدا نکند انسان به امراض بی‌درد مبتلا گردد. مرض‌هایی که درد دارد انسان را وادار می کند که در مقام علاج برآید؛ به دکتر و بیمارستان مراجعه کند؛ لیکن مرضی که بی‌درد است و احساس نمی‌شود بسیار خطرناک می‌باشد. وقتی انسان خبردار می‌گردد که کار از کار گذشته است. مرض‌های روانی اگر درد داشت باز جای شکر بود: بالأخره انسان را به معالجه و درمان وا می‌داشت؛ ولی چه‌توان کرد که این امراض خطرناک درد ندارد. مرض غرور و خودخواهی بی‌درد است. معاصی دیگر بدون ایجاد درد، قلب و روح را فاسد می‌سازد. این مرض‌ها نه‌تنها درد ندارد، بلکه ظاهر لذت‌بخشی نیز دارد: مجالس و محافلی که به غیبت می‌گذرد خیلی گرم و شیرین است! حب نفس و حب دنیا که ریشه همه گناهان است، لذت‌بخش می‌باشد. مستسقی از آب تلف می‌شود، ولی تا آخرین نفس از آشامیدن آن لذت می‌برد و قهراً اگر انسان از مرضی لذت برد و درد هم نداشت، دنبال معالجه نخواهد رفت؛ و هر چه به او اعلام خطر کنند که این کشنده است، باور نخواهد کرد.(۴)

ماه «رمضان‌ها» می‌آید و می‌رود، و ماه‌ها یکی پس از دیگری می‌روند و عمرها هم می‌رود، آنچه که باقی می‌ماند آن صفحات اعمال شماست که در قلب شما ثبت است، و شاید نامه عمل هم همان باشد. قلب شما نسبت به دنیا چه بوده است؟ دنیا با قلب شما چه کرده است و شما توجه‌تان به دنیا چه اندازه بوده است؟ آن روزی که دستتان نمی‌رسید زاهد و عابد بودید، آن روزی که دست رسید خدای نخواسته عکس او بود؟ مراقبت در کار است... داشتن مال، داشتن خانه، داشتن چیز، اینش مهم نیست. مهم این است که قلب انسان را این‌ها تسخیر کنند. اینکه مال‌اندوزی و ثروت‌اندوزی مذموم است برای این است که این مال‌اندوزی و ثروت‌اندوزی و امثال این‌ها و زرق‌وبرق دنیا دل انسان را می‌کشاند به طرف غیرخدا و از آن ضیافت‌های خدا محروم می‌کند. بخواهید دعوت خدا را به ضیافت اجابت کنید و وارد بشوید در ضیافهٔ‌الله بدون اینکه قلب‌های خودتان را از این دنیا منسلخ کنید امکان ندارد. اولیای خدا آن چیزی که پیششان مهم بود تهذیب نفس بود و دل‌کندن از غیرخدا و توجه به خدا. تمام مفاسدی که در عالم واقع می‌شود از این توجه به خود است در مقابل توجه به خدا. تمام کمالاتی که برای اولیای خدا و انبیای خدا حاصل شده است از این دل‌کندن از غیر و بستن به اوست؛ و علامات این مسائل در اعمال ماها ظاهر می‌شود.(۵) لیاقت می‌خواهد؛ آمادگی لازم است. با روسیاهی‌ها و قلب‌های آلوده که به حجاب‌های ظلمانی پوشیده شده است این معانی و حقایق روحانی را نمی‌توان درک کرد. باید این حجاب‌ها پاره گردد و این پرده‌های تاریک و روشنی که بر قلب‌ها کشیده شده و مانع وصال إلی الله گردیده کنار رود، تا بتوان در مجلس نورانی و با شکوه الهی وارد شد.(۶)

از همه بالاتر این است که انسان خودش را اصلاح کند در ماه رمضان، ما محتاج به اصلاح هستیم، محتاج به تهذیب نفس هستیم، تا آن دم آخر ما محتاجیم. پیغمبرها هم محتاجند. انبیای بزرگ هم محتاجند، منتها آنها احتیاج خودشان را فهمیده‌اند و دنبالش عمل کرده‌اند، و ما از باب اینکه حجاب داریم نتوانستیم بفهمیم و به تکالیف خودمان عمل نکردیم. امیدوارم که ان‌شاءالله این ماه مبارک رمضان به همه شما مبارک باشد. و مبارک‌بودن به این است که بنا بر این بگذارید که به تکالیف خدا عمل کنید. در این ماه مبارک دعا کنید که خدای تبارک و تعالی شما را موفق کند به اینکه در این خدمتی که متکفل او هستید، مطابق رضای او عمل کنید. از خدا بخواهید که ما را از عنایت خودش محروم نفرماید و این ضیافت خدا را قدر بدانید. این ضیافت خیلی لطافت و ظرافت دارد، این را باید قدر بدانیم ما. این ادعیه‌ای که وارد شده است در ماه مبارک رمضان و در ماه شعبان این‌ها راهبر ماست به مقصد، به تعبیر شیخ ما (میرزا محمدعلی شاه‌آبادی، استاد امام خمینی در عرفان)- رحمه الله- قرآن صاعد است... در هر صورت ظرایفی در این ادعیه مبارکه هست که سابقه ندارد. این‌ها را توجه به آن بکنید، انسان را این ادعیه می‌تواند حرکت بدهد. ماه مبارک می‌تواند که انسان را موفق به بسیاری از امور بکند. ماه مبارک می‌تواند انسان را طوری بکند که تا ماه مبارک دیگر یا تا آخر دیگر کنترل بشود و تخطی از آنچه رضای خداست نکند.(۷) من خوف این را دارم که در این ماه مبارک رمضان که ماه تهذیب نفس است و همه را خدا به ضیافت خودش دعوت کرده است، ما با صاحب خانه کاری بکنیم که عنایتش از ما برگردد.(۸) اگر بنا باشد که انسان به اسم روزه دهان را از مطعومات ببندد و به غیبت مردم باز کند و شب‌های ماه مبارک رمضان، که مجالس شب‌نشینی،گرم و دایر بوده وقت و فرصت بیشتری است، با غیبت، تهمت و اهانت به مسلمانان به سحر انجامد، چیزی عاید او نمی‌شود و اثری بر آن مترتب نمی گردد. بلکه چنین روزه‌داری آداب مجلس مهمانی حق را رعایت نکرده، حق ولی نعمت خود را ضایع نموده است- ولی نعمتی که پیش از آفرینش انسان، همه گونه وسایل زندگی و آسایش را برای او فراهم کرده؛ اسباب تکامل را تهیه دیده است؛ انبیا را برای هدایت فرستاده؛ کتاب‌های آسمانی نازل فرموده است؛ برای رسانیدن انسان به معدن عظمت و نور ابهج قدرت داده؛ عقل و ادراک عنایت کرده؛ کرامت‌ها فرموده است و اکنون از بندگانش دعوت به عمل آورده که به مهمانخانه او وارد شده بر خوان نعمت او بنشینند و شکر و سپاس حضرتش را تا آنجا که از دست و زبان آنان برمی آید ادا نمایند. آیا صحیح است که بندگان از خوان نعمت او بهره مند گردند، از وسایل و اسباب آسایشی که در اختیار آنان قرار داده استفاده کنند و با مولی و میزبان خود مخالفت ورزند و بر ضد او قیام نمایند؟(۹)

ضرورت خودسازی و رهایی از تعلقات مادی

از خدا بترسید؛ از عواقب امور بپرهیزید؛ از خواب غفلت بیدار شوید! دوراندیش باشید؛ عواقب امور را بسنجید؛ عقبه‌های خطرناکی که دارید به یادآورید، از فشار قبر، عالم برزخ، مشکلات و شدایدی که به دنبال آن است غفلت نکنید! جهنم با اعمال و کردار زشت انسان روشن می‌گردد. اگر بشر با اعمال و کردار خویش آتش نیفروزد، جهنم خاموش است. باطن این طبیعت جهنم است؛ اقبال به طبیعت اقبال به جهنم است. آنچه در عالم آخرت واقع می‌شود چیزی است که در این دنیا تهیه گردیده است.(۱۰)

شما باید خودتان را بسازید و بعد ملت را بسازید.(۱۱)

خدا نکند انسان پیش از آنکه خود را بسازد جامعه به او روی آورد و در میان مردم نفوذ و شخصیتی پیدا کند که خود را می‌بازد. قبل از آنکه عنان اختیار از کف شما ربوده شود خود را بسازید و اصلاح کنید.(۱۲)

خودسازی به این است که تمام ابعادی که انسان دارد و انبیا آمدند برای تربیت آن- تمام ابعاد را- ترقی دهید؛ جنبه علمی، همه ابعاد علم؛ جنبه اخلاقی، همه ابعاد اخلاق؛ تهذیب نفس، وارسته‌کردن نفس از تعلقات دنیا؛ که سرمنشأ همه کمالات، وارسته‌شدن نفس از تعلقات است و بدبختی هر انسان تعلق به مادیات است. توجه و تعلق نفس به مادیات، انسان را از کاروان انسان‌ها باز می‌دارد و بیرون رفتن از تعلقات مادی و توجه به خدای تبارک و تعالی انسان را به مقام انسانیت می‌رساند. انبیا هم برای همین دو جهت آمده بودند: بیرون‌کردن مردم از تعلقات و تشبث به مقام ربوبیت.(۱۳) پیش از آنکه فرصت از دست برود چاره بیندیشید! شما جوانان، رو به پیری و ما پیران رو به مرگ پیش می‌رویم. هر نفسی که می‌کشید، هر قدمی که برمی دارید و هر لحظه‌ای که از عمر شما می‌گذرد، اصلاح، مشکل‌تر گردیده، ممکن است ظلمت و تباهی بیشتر شود.(۱۴) قلب انسان مانند آینه صاف و روشن است و بر اثر توجه فوق‌العاده به دنیا و کثرت معاصی کدر می‌شود؛ ولی اگر انسان لااقل صوم را برای حق تعالی خالص و بی‌ریا انجام دهد (نمی گویم عبادات دیگر خالص نباشد، همه عبادات لازم است خالص و بی‌ریا انجام گیرد) این عبادت را که اعراض از شهوات، اجتناب از لذات و انقطاع از غیرخداست در این یک ماه بخوبی انجام دهد، شاید تفضل الهی شامل حال او شده آینه قلبش از سیاهی و کدورت زدوده گردد؛ و امید است که او را از عالم طبیعت و لذات دنیوی منحرف و منصرف سازد؛ و آنگاه که می‌خواهد وارد «شب قدر» شود، نورانیت‌هایی که در آن شب برای اولیا و مؤمنین حاصل می‌شود به دست آورد و جزای چنین روزه‌ای خداست؛ چنان‌که فرموده است: الصّوم لی و انا اجزی به. چیز دیگر نمی‌تواند پاداش چنین روزه‌ای باشد. جنات نعیم در مقابل روزه او بی‌ارزش بوده نمی‌تواند پاداش آن به حساب آید.(۱۵)

پیش از آنکه فرصت از دست برود چاره بیندیشید! شما جوانان، رو به پیری و ما پیران رو به مرگ پیش می‌رویم. هر نفسی که می‌کشید، هر قدمی که برمی دارید و هر لحظه‌ای که از عمر شما می‌گذرد اصلاح، مشکل‌تر گردیده ممکن است ظلمت و تباهی بیشتر شود.

منابع:

۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص: ۴۸۰؛ ۲. جهاد اکبر، صص: ۴۵ - ۴۶؛ ۳. جهاد اکبر، صص: ۴۶ - ۴۷؛ ۴. جهاد اکبر، ص: ۵۲؛ ۵. صحیفه امام، ج ۱۷، صص: ۴۹۲ - ۴۹۳؛ ۶. جهاد اکبر، ص: ۴۶؛ ۷. صحیفه امام، ج ۱۸، صص: ۴۸۰ - ۴۸۱؛ ۸. صحیفه امام، ج ۱۸، ص: ۴۷۶؛ ۹. جهاد اکبر، صص: ۴۴ - ۴۵؛ ۱۰. جهاد اکبر، ص: ۶۸؛ ۱۱. صحیفه امام، ج ۸، ص: ۲۶۷؛ ۱۲. جهاد اکبر، ص: ۲۲؛ ۱۳. صحیفه امام، ج ۸، ص: ۲۶۷؛ ۱۴. جهاد اکبر، ص: ۶۷؛ ۱۵. جهاد اکبر، صص: ۴۳ - ۴۴.

از: پرتال امام خمینی

شبهه ها
و
پاسخ ها

کتمان کارها از دیگران

شبهه: چرا در احادیث دستور به کتمان کارها از دیگران داده شده است و دقیقاً چه چیزی را لازم است کتمان کنیم؟ لطفاً برخی از احادیث معتبر در این زمینه را نیز بیان کنید.

پاسخ: در زندگی امروز با توجه به گستردگی و تنوع روابط و پردازش اطلاعات، مسئله کتمان، اهمیت ویژه‌ای دارد. کتمان از ویژگی‌های انسان است. انسان می‌تواند نظرها، اندیشه‌ها، صفات و رفتارهای خود را از دیگران پنهان کند؛ همچنین می‌تواند در صورت آگاهی از اندیشه‌ها، صفات و رفتارهای دیگران، آنها را در درون خود نگه دارد. کتمان، در روایات جایگاه ویژه‌ای دارد که در ادامه به بررسی روایاتی که دستور کتمان کارها از دیگران می‌دهد، می‌پردازیم.

برخی از مصادیق کتمان

۱. کتمان کارها

از امیرالمؤمنین علی(ع)نقل شده: «أَنْجَحُ الْأُمُورِ مَا أَحَاطَ بِهِ الْكِتْمَان(۱)؛ موفق‌ترین کارها، کاری است که با کتمان کامل صورت گیرد.» همچنین از امام صادق(ع)نقل شده: «إِظْهَارُ الشَّيْءِ قَبْلَ أَنْ يُسْتَحْكَمَ مَفْسَدَةٌ لَه(۲)؛ آشکار کردن چیزی پیش از آنکه محکم و استوار گردد، موجب تباهی آن می‌شود.»

۲. کتمان عقیده

برخی از روایات تصریح دارد که در بعضی از موقعیت‌های زمانی و مکانی، مخالفان(عامه) سخنان و عقاید شما شیعیان را تحمل نمی‌کنند و نمی‌توانند درک کنند. در این صورت بر شیعیان لازم است کتمان کنند. در این زمینه مرحوم کلینی در اصول کافی بابی به‌عنوان الکتمان دارد و شانزده روایت نقل می‌کند. امام زین‌العابدین(ع) فرمود: «وَدِدْتُ وَ اللهِ أَنِّي افْتَدَيْتُ خَصْلَتَيْنِ فِي الشِّيعَةِ لَنَا بِبَعْضِ لَحْمِ سَاعِدِي النَّزَقَ وَ قِلَّةَ الْكِتْمَانِ(۳)؛ به خدا سوگند که حاضرم به جبران دو خصلت شیعیانمان مقداری از گوشت ساعد خود را فدیه دهم: شتاب‌زدگی و کمی رازداری.» همچنین امام صادق(ع) فرمودند: «کِتْمَانُهُ لِسِرِّنَا جِهَادٌ فِی سَبِیلِ الله(۴)؛ پوشیده نگه‌داشتن اسرار ما، جهاد در راه خداست.»

گاه افشای سرّ سبب برانگیخته شدن حسادت‌ها می‌شود و برای پرهیز از آن چاره‌ای جز پوشانیدن سرّ نیست؛ در حدیثی از رسول اکرم(ص) نقل شده: «کمک بگیرید بر کارهایتان با پنهان کردن، به‌درستی که هر صاحب نعمتی مورد حسد واقع می‌شود.»

۳. کتمان اسرار خود

امیرالمؤمنین علی(ع)فرمود: «مَنْ كَتَمَ سِرَّهُ كَانَتِ الْخِيَرَةُ فِي يَدِهِ(۵)؛ هر کس راز خود را نهان دارد اختیارش به دست خودش است.» امام رضا(ع) فرمود: «لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِناً حَتَّى يَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ سُنَّةٌ مِنْ رَبِّهِ وَ سُنَّةٌ مِنْ نَبِيِّهِ وَ سُنَّةٌ مِنْ وَلِيِّهِ فَالسُّنَّةُ مِنْ رَبِّهِ كِتْمَانُ سِرِّهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَالِمُ الْغَيْبِ فَلا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَداً إِلَّا مَنِ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ(۶)؛ مؤمن، مؤمن نباشد مگر اینکه سه خصلت در او باشد: خصلتی از پروردگارش و خصلتی از پیامبرش و خصلتی از ولیّ‌اش. خصلت پروردگارش رازپوشی است. خداوند عزّوجل فرموده است: عالِمُ الْغَيْبِ فَلا يُظْهِرُ عَلى غَيْبِهِ أَحَداً * إِلاَّ مَنِ ارْتَضى مِنْ رَسُولٍ(۷)؛ دانای غیب و نهان است و هیچ‌کس را بر غیب خود آگاه نمی‌سازد، مگر پیامبری را که پسندیده باشد...».

۴. کتمان فقر، صدقه، بیماری، مصیبت

امام صادق(ع) از طریق پدرش از اجداد بزرگوارش(ع) روایت کرده که رسول خدا(صلی‌الله علیه و آله) فرمود: «أَرْبَعَةٌ مِنْ كُنُوزِ الْبِرِّ كِتْمَانُ الْحَاجَةِ وَ كِتْمَانُ الصَّدَقَةِ وَ كِتْمَانُ الْمَرَضِ وَ كِتْمَانُ الْمُصِيبَةِ(۸)؛ چهار چیز از ذخائر نیکی‌ها است: پنهان داشتن حاجت و نیاز، پنهان داشتن صدقه، پنهان داشتن بیماری و پنهان داشتن مصیبت و گرفتاری.»

علت‌های کتمان

با توجه به روایات متعدد درباره کتمان و دقت در آنها، علت‌های فراوانی می‌تواند داشته باشد:

۱. پرهیز از کارشکنی‌ها

گاه می‌شود انسان برای کار مثبتی نقشه کشیده و اگر آن را فاش کند گروهی به هر دلیل مشغول کارشکنی می‌شوند، از این رو چاره‌ای جز کتمان آن نیست تا زمانی که به ثمر برسد و خود را نشان دهد. اگر انسان تصمیم به کاری دارد با گفتن آن به دیگران، ممکن است آنان کار موازی در برابر آن انجام دهند و کار شما بی‌نتیجه شود. یا ممکن است بخواهید کاری انجام دهید؛ ولی به علت‌های گوناگون موفق نمی‌شوید، اگر قبل از انجام آن، دیگران را آگاه کنید و نتوانید عملی کنید مورد تمسخر آنها قرار می‌گیرید.

کتمان مذموم

البته باید توجه داشت این مسائل به کارهایی مربوط می‌شود که خوب و بد بودنش مشخص است؛ یعنی کارهایی که خوب بودن آنها معلوم باشد و نیاز به مشورت نداشته باشد وگرنه در کارهایی که خوب بودن آنها معلوم نیست مشورت با افراد صالح و مورد اطمینان لازم است.

همیشه این‌گونه نیست که هر کس اهداف کار و برنامه‌های خود را به دیگران بگوید لزوماً با شکست روبه‌رو شود؛ چراکه یکی از ابزارهای موفقیت و پشتوانه‌های محکم برای رسیدن به هدف، استفاده از تجربه، علم، اندیشه و توانمندی دیگران است. هم‌فکری و بهره‌گیری از توانمندی و تجارب دیگران، باعث کاهش خطا در برنامه‌های زندگی و تسریع دررسیدن به هدف می‌شود. افرادی که در کارهای مهم با صلاح‌اندیشی و مشورت دیگران اقدام می‌کنند، کمتر گرفتار آسیب می‌شوند و کارهای آنان بیشتر قرین موفقیت، سلامتی و بالندگی است. امام علی(ع)می‌فرماید: «مَنْ شَاوَرَ ذَوِي الْأَلْبَابِ دُلَّ عَلَى الصَّوَابِ(۹)؛ هرکس با خردمندان مشورت کند، با انوار خردهای آنان، روشنی یابد و به راه درست و رستگاری نائل گردد.»

همیشه این‌گونه نیست که هر کس اهداف کار و برنامه‌های خود را به دیگران بگوید لزوماً با شکست روبه‌رو شود؛ چراکه یکی از ابزارهای موفقیت و پشتوانه‌های محکم برای رسیدن به هدف، استفاده از تجربه، علم، اندیشه و توانمندی دیگران است. هم‌فکری و بهره‌گیری از توانمندی و تجارب دیگران، باعث کاهش خطا در برنامه‌های زندگی و تسریع دررسیدن به هدف می‌شود. افرادی که در کارهای مهم با صلاح‌اندیشی و مشورت دیگران اقدام می‌کنند، کمتر گرفتار آسیب می‌شوند و کارهای آنان بیشتر قرین موفقیت، سلامتی و بالندگی است.

۲. دور ماندن از حسادت‌ها

گاه افشای سرّ سبب برانگیخته شدن حسادت‌ها می شود و برای پرهیز از آن چاره‌ای جز پوشانیدن سرّ نیست؛ در حدیثی از رسول اکرم(ص) نقل شده: «اسْتَعِينُوا عَلَى أُمُورِكُمْ بِالْكِتْمَانِ فَإِنَّ كُلَّ ذِي نِعْمَةٍ مَحْسُودٌ(۱۰)» کمک بگیرید بر کارهایتان با پنهان کردن، به‌درستی که هر صاحب نعمتی مورد حسد واقع می‌شود.»

۳. پرهیز از ایجاد توقعات بیجا

گاه می‌شود اگر مردم از امکانات فرد خاصی با خبر شوند توقعات نابجا و بیش‌ازحد از او داشته باشند و او را در تنگنا قرار دهند، به همین دلیل سرّ خود را می‌پوشانند.

۴. پرهیز از کارهای عجولانه

گاه انسان کاری را که می‌خواهد انجام دهد اگر عجله در افشای آن کند ممکن است به نتیجه نرسد، ولی هرگاه برای مطالعه و تحقیق بیشتر آن را پنهان کند و در فضای آرامی به نتیجه برساند به نفع اوست.

۵. در امان ماندن از سوءاستفاده دشمن

گاه افشای سرّ سبب سوءاستفاده دشمن می‌شود و کاری که ممکن است به‌سادگی انجام گیرد بسیار پیچیده و پرهزینه می‌شود؛ همان‌گونه که در مورد پنهان ماندن زمان حرکت لشکر اسلام برای فتح مکه در تاریخ اسلام ثبت شده است.

۶. پرهیز از ریاکاری

گاه انسان خدماتی به افرادی کرده که اگر آن را افشا کند بیم ریاکاری دارد. در این صورت، سرّ را مکتوم می‌دارد که به اخلاص خویش کمک کند.

۷. عدم توانایی طرف مقابل بر تحمل آن سرّ

در مورد ائمه اطهار(ع) و مقامات آنها یا معارف خاص الهی احادیثی نقل شده که برای عموم مردم قابل فهم نیست.

۸. پرهیز از آبروریزی افراد

بسیار می‌شود اسراری نزد انسان است که اگر بازگو کند آبروی افراد آبرومندی که زمانی گرفتار لغزشی شده‌اند می‌ریزد و یا سبب شماتت دشمن نسبت به خود انسان می‌شود؛ زیرا مصیبتی به انسان رسیده که اگر آن را مکتوم دارد یک مصیبت است و اگر آشکار کند مصیبت شماتت دشمنان به آن افزوده می‌شود.

۹. پرهیز از وحشت افراد کم‌ظرفیت

بسا حوادث تلخی ممکن است برای جامعه‌ای در پیش باشد که اگر مسئولین، آن را فاش کنند، بسیاری از افراد وحشت‌زده می‌شوند، ازاین‌رو آن را پنهان می کنند تا آرامشی در کار باشد و یا شخصی مبتلا به بیماری خطرناکی شده، طبیب آن را به او نمی‌گوید تا آرامش خود را از دست ندهد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غررالحکم، ص ۳۳۴، دفتر تبلیغات، ایران، قم، چاپ اول، ۱۳۶۶ ش. ۲. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، ج۲، ص ۶۰۳، دار الکتب الإسلامیه، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۱ ق. ۳. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، ج۲، صص ۲۲۱ و ۲۲۲، دار الکتب الإسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق. ۴. همان، ج۲، ص ۲۲۶. ۵. نهج‌البلاغه، حکمت ۱۶۲، هجرت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق. ۶. ابن‌بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا، ج۱، ص ۲۵۶، نشر جهان، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸ ق. ۷. جن، آیات ۲۶ و ۲۷. ۸. مفید، محمد بن محمد، الأمالی، ص ۸، کنگره شیخ مفید، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق. ۹. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد، ج۱، ص ۳۰۰، کنگره شیخ مفید، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق ۱۰. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، ص ۴۸، جامعه مدرسین، قم، چاپ دوم، ۱۳۶۳ ق.

*** مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی(با تلخیص).**

چراغ راه

لزوم به سخن درآوردن قرآن

قال الامام علی(ع): «ذلک القرآن فاستنطقوه ولن ینطق ولکن اخبرکم عنه، الا ان فیه علم ما یأتی والحدیث عن الماضی و دواء دائکم و نظم امرکم».

امام علی(ع) فرمود: این قرآن است از آن سوال کنید ولی هرگز ظاهرا پاسخ نمی‌دهد ولی من می‌گویم که تمام علوم گذشته و آینده در قرآن است و داروی تمام دردها در قرآن است و نظم تمام امور در پرتو قرآن است.(۱)

۱- نهج‌البلاغه- خطبه ۱۵۸

حکایت خوبان

ائمه اطهار(ع) مصداق عترت پیامبر(ص)

امام حسین(ع) فرمود: ما حزب پیروز خداوندیم و عترت رسول خدا(ص) و نزدیک‌ترین فرزندان او هستیم. ما از خاندان پاک پیامبریم. ما یکی از آن دو چیز گرانبهاییم که رسول خدا(ص) ما را بعد از کتاب خدا، دومی آن معرفی فرمود. کتابی که بیان هر چیزی در آن هست و باطل از هیچ جانبی در آن راه ندارد. کتابی که در تفسیر آن به ما پناه آورده می‌شود و تفسیر آن دور از دسترس ما نیست، و حقایق آن را پیروی می‌کنیم.(۱)

۱- وسائل‌الشیعه، ج ۸، ص ۱۴۴، ح ۴۵

پرسش و پاسخ

راهکارهای مهجوریت‌زدایی از قرآن

پرسش:

چگونه و با چه راهکارها و سازوکارهایی می‌توان آموزه‌های وحیانی قرآن را در سلوک و رفتار مردم نهادینه کرد و قرآن کریم را از مهجوریت درآورد؟

پاسخ:

قبل از ورود به بحث راهکارهای مهجوریت‌زدایی از قرآن لازم است به عنوان پیش‌نیاز، پیش‌فرض‌هایی را به نحو اجمال مطرح کنیم تا پیوند میان سلوک و رفتار قرآنی با باورهای قرآنی مشخص گردد.

پیش‌فرض‌ها و مبانی

۱- غرض الهی از ارسال رسل و انزال کتب آسمانی، عمل به آموزه‌های وحیانی بوده نه صرفا خواندن و تلاوت کردن.

۲- اگر به آموزه‌های وحیانی قرآن عمل نشود، غرض الهی که هدایت و رستگاری و سعادت دنیا و آخرت انسان است نقض می‌گردد.

۳- قرآن کتاب صامت است و جهت بهره‌برداری از آموزه‌های وحیانی آن، باید آن را به نطق درآورد. به تعبیر امام علی(ع) باید از قرآن استنطاق کرد: «ذلک القرآن فستنطقوه ولن ینطق» آن قرآن خودش که هرگز سخن نمی‌گوید را به نطق درآورید. (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵۸)

۴- استنطاق از قرآن به دو شکل انجام می‌گیرد:

الف) استنطاق درون قرآنی ب) استنطاق برون قرآنی. استنطاق درون قرآنی شامل: تفسیر قرآن به قرآن اعم از ترتیبی و موضوعی است و استنطاق برون قرآنی شامل راهکارها و سازوکارهایی است که می‌تواند آموزه‌های وحیانی قرآن را در سلوک و رفتار مردم نهادینه کند.

۵- راهکارها و سازوکارهایی برون قرآنی خود به دو دسته تقسیم می‌شوند: الف) راهکارهایی که مستقیما به خود قرآن برمی‌گردد و راهکارهایی که به عوامل محیطی قرآن و مسلمانان و جوامع آنها ارتباط دارد. در اینجا ما به راهکارهایی که مستقیما به خود قرآن ارتباط دارد خواهیم پرداخت.

راهکارها و سازوکارهای مهجوریت‌زدایی از قرآن

۱- تبیین اوامر و نواهی الهی

بدون تردید آموزه‌های وحیانی قرآن کریم و تعالیم آن برای عمل کردن مخاطبین قرآن نازل گردیده است و لازمه عمل به این آموزه‌ها و تعالیم حیاتبخش، ابتدا تبیین مطالباتی است که خدای متعال در این کتاب مقدس به مثابه نقشه راه هدایت، سعادت و تکامل انسان در دنیا و آخرت مقرر فرموده است. انسان مسلمانی که تسلیم خدای متعال است، باید مجموعه احکام، دستورات و قوانین الهی را در درجه اول به صورت شفاف و قطعی مورد شناسایی قرار دهد و سپس آنها را در سلوک و رفتار فردی و اجتماعی خودش پیاده نماید. بنابراین گام نخست در این راه تبیین اوامر و نواهی الهی است که رسالت آن برعهده مفسران قرآن کریم است.

۲- عرضه اعمال فردی و اجتماعی به قرآن

بعد از تبیین اوامر و نواهی الهی به صورتی شفاف و قطعی، مرحله پیاده‌سازی آنها در سلوک و رفتار فردی و اجتماعی مسلمانان مطرح می‌شود. یعنی مکلفین ابتدایی و دیگران باید شاخص‌های رفتاری خود را، اوامر و نواهی الهی قرار دهند و هرگز از آنها عدول نکنند. در این صورت است که غرض الهی حاصل می‌شود و سعادت و رستگاری انسان‌ها در حیات طیبه به منصه ظهور می‌رسد. بنابراین شاخص ارزیابی و اعتبارسنجی اعمال و سلوک ما انطباق آنها با اوامر و نواهی قرآن است. حتی براساس روایات عرضه ما موظفیم سخنان معصومان(ع) را برای ارزیابی و اعتبارسنجی به قرآن عرضه کنیم، اگر با شاخص‌های قرآنی منطبق بود آنها را تایید می‌کنیم در غیر این صورت آنها را به دیوار زده و کنار می‌اندازیم.

۳- پرسشگری از قرآن

قرآن نقشه راه سعادت و رستگاری انسان در دنیا و آخرت است، و تمامی نیازهای انسان در عرصه فردی و اجتماعی او را پاسخ می‌دهد. از طرفی قرآن کریم معجزه جاوید الهی است و برای تمامی عصرها و نسل‌ها تا روز قیامت حجیت دارد، و لازم است با شرایط و مقتضیات زمان تطبیق داده شود. در این رابطه یکی از اهم سازوکارها و راهکارها و تطبیق آموزه‌های وحیانی قرآن با مقتضیات زمان، مسئله پرسشگری است. که می‌تواند در ابعاد فردی و اجتماعی برنامه‌ها و راهکارهای دردها و نیازهای مربوطه را از قرآن مورد استنطاق قرار دهد.

۴- نسخه‌نویسی قرآنی

همان‌گونه که یک پزشک با خواندن منابع و کتب پزشکی قادر خواهد بود برای بیماران خود و نیازهای درمانی آنها نسخه‌نویسی کند و راه‌های درمان و شفای آنها را ارائه دهد. یک قرآن‌پژوه و دکترای علوم قرآن و حدیث باید بتواند برای بیماران روحی و نیازهای معنوی جامعه خود نسخه‌نویسی کند و راهکارهای درمان و شفای افراد و جوامع را ارائه دهد. بیماری‌های روحی شامل: نفاق، بخل، حسد، ریا، عجب، تکبر و... جهت درمان آنها نیاز به نسخه‌نویسی‌های قرآنی است.

سلوک عارفانه

دین مسیحیت برخلاف اسلام تمدن‌ساز نبود

در دنیای مسیحیت تمدنی به وجود نیامد. اولا در ابتدا که مسیحیت ظهور کرد، خودش به اصطلاح پیوست به یک تمدنی که تمدن روم قدیم بود، نه اینکه تمدنی به وجود آورد، در دوره جدید هم که تمدنی به وجود آمد، به دلیل پشت کردن به مسیحیت و روی گرداندن از کلیسا، تمدن به وجود آمد، نه به دلیل رو آوردن به کلیسا و رو آوردن به مسیحیت. اسلام برعکس، به دلیل رو آوردن به اسلام تمدنی به وجود آمد و به دلیل پشت کردن به اسلام آن تمدن از میان رفت.(۱)

۱- تربیت و رشد اسلامی، شهید مرتضی مطهری(ره)، بینش مطهر، ج ۱۳، ص ۲۰۱